

مجله
ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی

سال هشتم، شماره ۴

زمستان ۱۳۷۵ (۱۹۹۷ م.م)

فریدون وهمن

میراث استاد احمد تفضلی

در یکی از ساعات شب ۲۵ دی ۱۳۷۵ (۱۴ ژانویه ۱۹۹۷) دکتر احمد تفضلی استاد دانشگاه تهران و عضو فرهنگستان ایران بر اثر سانحه اتومبیل از پا درآمد. با مرگ جانکاه دکتر تفضلی جهان ایران‌شناسی دانشمندی پرمایه و کم مانند و عالم انسانی شخصیتی والا و شرافتمند را از دست دادند.

استاد تفضلی شاید برای عامه مردم ایران چهره ای شناخته و آشنا نبود، ولی برای دانشگاهیان و پژوهشگران رشته مطالعات ایرانی در هر جای عالم که باشند دانشمندی برجسته و محقق کوشا و توانا به شمار می آمد. صدها شاگردان و دوستان و ارادتمندانش با اخلاص و احترامی عمیق و ستایش آمیز به شاگردی و دوستی او افتخار می ورزیدند و او را سرچشمه ای لایزال و جوشان برای افاضه علم، و دوستی بیمانند که همه کمالات انسانی

را در خود جمع داشت می دانستند. مراسمی که روز خاکسپاریش در مسجد دانشگاه به یاد او برپا شد و سیل مردمی که از هر طبقه در آن شرکت جست بودند نشان احترام گروهی انبوه فرهنگدوست بود که او را شاید هرگز ندیده بودند ولی با نام و آثارش آشنایی داشتند. علت مرگ او متأسفانه در هاله ای از اسرار پیچیده شده است و این عدم آگاهی به علت حقیقی این مرگ ابعاد فاجعه را وسیعتر و مصیبت فقدان او را دردناک تر می سازد. آگاهی من از این سانحه ابتدا از طریق شبکه «اینترنت» بود. خبر این بود که استاد بر اثر تصادف اتومبیل به قتل رسیده است. پس از آن که از حیرت و بهت درآمدم به آن امید که این خبر نادرست و مبتنی بر اشتباهی باشد به خانه اش در تهران تلفن کردم ولی کسی گوشی را برنداشت. به فرهنگستان ایران که در آن جا عضو ممتاز و معاون بود تلفن کردم. شخصی تلفن را جواب داد که می گفت زیاد از موضوع خبری ندارد زیرا در مرخصی بوده و همان روز به سر کار برگشته است. وقتی با اصرار خواستم فقط به من بگوید که خبر کشته شدن او درست است یا نه، آن را تأیید کرد. روز بعد آقای کریم امامی خبری از ایران به اینترنت فرستادند که واقعه را روشن تر می ساخت. در حالی که دکتر تفضلی در شب تاریک در نزدیکی تجریش (که خانه اش در آن جا واقع بود) مشغول تعویض لاستیک اتومبیل خود بوده مورد اصابت ماشین دیگری قرار می گیرد و جان می سپارد.

سرانجام موفق به تماس با خانه او شدم. برادرش با حالی نزار پاسخ داد تنها اطلاعی که از مرگش به آنها داده اند همان تصادم اتومبیلی به او در حال عوض کردن چرخ ماشین خود بوده و راننده نیز فراری ست. بعد اضافه کرد که خانم آن روانشاد برای تولد نخستین نوه شان به کانادا رفته و به ایشان تلفن کرده ایم که هرچه زودتر برای شرکت در مراسم خاکسپاری همسرش به ایران بازگردد. روز بعد ۲۷ دی (۱۶ ژانویه) آقای کریم امامی خبر دیگری به نقل از روزنامه همشهری* چاپ تهران فرستادند که تعجب همه را بیش از پیش برانگیخت. اتومبیل دکتر تفضلی را در دهکده پونک در شمال غرب تهران یافته بودند در حالی که جسد او جلوی آن افتاده بوده و بر آن جسد هیچ آثار جراحی و حتی خراش دیده نشده است. ظاهراً ایشان به پونک می رود و هنگامی که از اتومبیل خود بیرون می آید بر اثر سکت قلبی جان می سپارد. از آن پس خبر دیگری در این مورد منتشر نشد.

هرچه بود دست تبهکار روزگار این شخصیت گرانمایه را که از افتخارات علمی کشور ما در قرن اخیر به شمار می رفت در اوج شکوفایی علمی او نابود کرد و آن جوهر علم و تقوی

* همشهری، روزنامه صبح تهران، صاحب امتیاز: شهرداری تهران، مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی (شهردار

را به سینه خاک سپرد.

استاد تفضلی در سال ۱۳۱۵ در اصفهان به دنیا آمد. تحصیلات دبیرستانی و دانشگاهی را در تهران به پایان رساند. شاگرد اول دانشکده ادبیات شد و در سال ۱۳۳۶ (۱۹۵۷) برای ادامه تحصیل در رشته ایران شناسی به مدرسه علوم شرقی لندن رفت. دوستی من با او که سی سال بعد از آنجا شروع شد. از همان آغاز، استعداد سرشار و هوش فوق العاده اش توجه استادان را جلب کرد و طرز کارش مورد ستایش آنان قرار گرفت. در یادگیری و آموختن مطالب علمی و در مطالعه و تحقیق پیگیر بود و خستگی نمی ساخت. در ساعات فراغت تمام کتابخانه های لندن را به دنبال کتابها و رسالاتی که به رشته ایران شناسی مربوط می شد زیر پا می گذاشت. روزی پروفیسور مکنزی استاد پهلوی ضمن تدریس به مطلبی اشاره کرد و کتابی را به عنوان مأخذ معرفی نمود و گفت اتفاقاً آن کتاب را هفته پیش یافته و به پنج پاوند (که آن موقع پول کمی نبود) خریده است. شاگردان کلاس اندک و محیط کلاس دوستانه بود. تفضلی گفت حاضر است آن کتاب را به هفت پاوند از او بخرد. هفته بعد کتاب را با ذوق و شوری که فقط از دیدن یک اسباب بازی به بچه ها دست می دهد در حالی که عاشقانه به آن نگاه می کرد و به جلد و شیرازه اش دست می کشید نشان ما داد. کتاب دوستی او سبب شد که کتابخانه شخصی او در ایران یکتا و ممتاز گردد و به صورت یکی از بهترین مجموعه های ایران شناسی درآید. پس از پایان تحصیلات خود در لندن به فرانسه رفت و مدتی با پروفیسور دومناش استاد زبانهای ایرانی کار کرد. سپس به ایران بازگشت و رساله دکتری خود را از دانشگاه تهران گذراند و همان جا به تدریس مشغول شد.

به تدریج با انتشار مقالاتش در نشریات علمی خارج و داخل پژوهشگران متوجه طلوع ستاره ای فروزان در آسمان ایران شناسی شدند. دکتر تفضلی به زبانهای انگلیسی و فرانسه و آلمانی تسلط کامل داشت و روسی را به آن اندازه که او را در مطالعاتش کمک کند می دانست. سوای شیوه علمی تحقیق و کامیابی در شکافتن مبهمات بی پایان زبان پهلوی، آنچه برخی از آثار او را در میان تحقیقات ایران شناسی بی مانند نمود تسلطش به زبان عربی و استفاده از اشاره های پر ارزش برخی از آثار کهن این زبان در مورد فرهنگ و زبانهای ایران قبل از اسلام بود. برای قدردانی از این انتشارات ممتاز چند سال پیش فرهنگستان فرانسه جایزه «گیرشمن» را به او اعطا کرد. کتابهای دکتر تفضلی نیز که بعد به آنها اشاره ای کوتاه خواهم داشت نمونه های بی نظیری از کارهای علمی پاکیزه، کامل و بی عیب به شمار می آیند. ترجمه او از کتاب پروفیسور کریستن سن به نام نخستین انسان و نخستین

ن
ن
ن
۳
بر
ش
در
ده
بر
شور
وی
دار

شهریار در تاریخ افسانه ای ایران در سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۰) جایزه بهترین کتاب سال را نصیب خود کرد و کتاب دیگرش که نشر انتقادی متن پهلوی گزیده های زادسپرم بود در فرانسه نشر شد، جایزه بین المللی کتاب سال را در سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) برد و در سال ۱۹۹۵ به عنوان بهترین کتاب برگزیده بین المللی در رشته ایران شناسی انتخاب شد.

در سالهای اخیر دانشگاههای گوناگون از جمله چین، ژاپن، فرانسه، امریکا و دانمارک از او برای تدریس دوره های کوتاه و بلند و یا اداره سمینارهای علمی دعوت می کردند و مقدمش را گرامی می داشتند. عضویت چندین مجمع علمی بین المللی ایران شناسی از جمله مجمع کتیبه شناسی ایرانی (Corpus Inscriptionum Iranicarum)، شورای مشورتی دانشنامه ایرانیکا و دایرة المعارف بزرگ اسلامی را داشت و مقالات تحقیقی زینت بخش این دو مجموعه بود. در سپتامبر سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶) دانشگاه کهنسال سنت پترزبورگ روسیه طی مراسم با شکوهی به استاد تفضلی دکترای افتخاری در رشته ایران شناسی اعطا کرد و این نخستین دکترای این رشته بود که به کسی آن هم از آسیا داده می شد. مرا نیز در همان هفته به مناسبت آن مراسم از کینهاگ دعوت کردند. احترام فوق العاده و تکریم و تجلیلی که استادان دانشگاه چه در مراسم رسمی و چه در میهمانیهای خصوصی از او به عمل آوردند بی نظیر و نشان آن بود که قدر و مقام بزرگ آن استاد گرانمایه را دریافته اند. چهار ماه نگذشت که در تلفنهای تسلیم با همان استادان بر مرگ دردناک آن عزیز گریستیم و اشک حسرت ریختیم.

هیچ شرحی درباره دکتر تفضلی بدون سخنی درباره فضائل و خصائل انسانی او کامل نمی باشد. خصیصه بارز او، چه در دوران دانشجویی و چه در این اواخر که در جهان ایران شناسی شخصیتی نام آور و مورد احترام شده بود، فروتنی و افتادگی بیمانندش به شمار می آمد. ادب و آرزوم و بزرگواری مدار رفتار و کردارش بود. چون هیچ گردی به دامنش نمی نشست هرگز حاضر نشد در مقابل کسی یا مقامی سر خم کند یا عجز نشان دهد. در پی مال و مقام نرفت و جز به علم به کار دیگری نپرداخت. جمع این خصائل به او شجاعت و سربلندی و استقلال نفسی بخشید که از خلیفات نادر ما ایرانیان به شمار می آید. در کمک به دوستان و همکارانش از دل و جان می کوشید و در تجلیل و تشویق از اهل علم و یا شاگردان خود بی شکیب بود. در گرما گرم انقلاب جشن نامه ای به نام یکی قطره باران به افتخار زنده یاد استاد زریاب خوبی که آن روزها به اتهام فراماسونری گری از کار رانده شده بود انتشار داد و نام آن خدمتگزار فرهنگ ایران را زنده ساخت. چند سال پیش که قرار بود همه اعضای علمی فرهنگستان ایران به دیدن آقای خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی

ایران بروند، شرط حضور خود را در این جلسه آن گذاشت که با همان سر و وضع همیشگی، یعنی با کراوات و ریش تراشیده، حاضر شود. اما در حضور اساتید و دانشمندان رفتارش چون شاگردی محجوب بود و به نهایت آنان را مورد احترام قرار می داد. در این اواخر که استاد دانش پژوه نزار و بیمار در بستر افتاده بود مرتب به دیدن آن دانشمند بزرگ می رفت و در نامه هایش صفا و نیک اندیشی و ساده دلی و خوش قلبی او را می ستود. از شهرت، سخت روگردان بود. در سنت پترزبورگ که هم خانه بودیم بارها می گفت بیم آن دارد که دادن مراسم دکترای موجب شود که بخواهند او در رادیو و تلویزیون ظاهر شود و یا با روزنامه ها مصاحبه کند. چندین بار از فرهنگستان به خانه ای که در آن زندگی می کردیم تلفن کردند که تاریخ اعطای دکترای را بپرسند و هر بار او طفره رفت. وقتی سبب را پرسیدم گفت می خواهند خبرش را به روزنامه ها بدهند و من حوصله ندارم. در نامه دیگری در همین زمینه از ایران برایم نوشت «گاه از روزنامه ها می خواهند مصاحبه کنند نمی خواهم محسود قرار گیرم یا خودنمایی کنم. دور از من باد که از این نوع تظاهرات خوشم بیاید.»

این خصائل بود که وجود آن دانشمند شریف را ممتاز و یگانه می ساخت. افسوس که در اوج خلاقیت در حالی که می توانست هنوز سالها جهان علم را از دانش خود بهره ها دهد و بر آبروی فرهنگ و کشور ما باز هم بیفزاید این طور نابود شد. به قول یکی از دوستانش فقط خدا می داند در آخرین ساعات حیات بر آن مرد شرافتمند چه گذشته است. یادش پایدار و روح پاکش با شادی جاودانی همراه باد.

فهرست کتابها و مقالات استاد احمد تفضلی

در دانشنامه ایرانیکا و دائرة المعارف بزرگ اسلامی

این فهرست مقالات فراوان آن زنده یاد را که به صد بالغ می شود و در نشریات علمی ایران و خارج از ایران درج شده فاقد است.

۱- کتابها:

- واژه نامه مینوی خرد، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۹۷۰.
- ترجمه فارسی مینوی خرد، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۹۷۲.
- نمونه های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه ای ایران (ترجمه)، اثر آرتور کریستن سن، نشر نو، جلد اول، تهران ۱۳۶۴، جلد دوم، تهران ۱۳۶۸.
- ترجمه این کتاب با همکاری خانم دکتر ژاله آموزگار استاد دانشکده ادبیات تهران

انجام گرفته و نه یک ترجمه عادی، بلکه یک کار تحقیقی ست و در واقع بازسازی اثر مشهور کریستن سن است. این اثر که به عقیده بسیاری از صاحب نظران یکی از دو شاهکار تحقیقات وسیع کریستن سن به شمار می آید (دیگری: ایران در زمان ساسانیان) بر منابع اوستایی و پهلوی متکی ست. با تحولاتی که در پنجاه سال اخیر در همه زمینه های ایران شناسی شده با مقایسه با زمان کریستن سن اینک شیوه قراءت کلمات و ترجمه متون این زبانها مورد قبول نیست. مترجمان این کتاب به تمام این منابع رجوع کرده اند و ترجمه جدیدی با آوانویسی جدید کلمات پهلوی و اوستایی ارائه داده اند. اما برای رعایت امانت ترجمه های کریستن سن را به طور یادداشت در حاشیه آورده اند. این کار در مورد مآخذ سانکریت، عربی و فارسی نیز انجام گرفته است. این کتاب برنده جایزه بهترین کتاب سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۰) گردید.

شناخت اساطیر ایران، اثر جان هیلنز، با همکاری دکتر ژاله آموزگار، کتابسرای بابل، تهران ۱۳۶۸. ترجمه ای ست روان و شیوا که اسطوره های ایرانی را به صورتی جامع و کامل عرضه می دارد.

اسطوره زندگی زردشت، با همکاری دکتر ژاله آموزگار، کتابسرای بابل، تهران ۱۳۷۰.

کتاب شرح اساطیر و افسانه هایی ست که درباره زردشت در منابع اوستایی و پهلوی آمده است. در این اثر نیز نویسندگان با مراجعه به اصل متون گوناگون و تصحیح انتقادی برخی از آنها (از جمله متن دشوار و پیچیده دینکرد) کتابی شایسته نشر کرده اند که گرچه برای خواننده عادی ست ولی از یک کتاب علمی چیزی کم ندارد.

زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، با همکاری دکتر ژاله آموزگار، انتشارات معین، چاپ اول، تهران ۱۳۷۳، چاپ دوم ۱۳۷۵.

کتابی ست در معرفی خط و زبان پهلوی و ادبیات باقی مانده در این زبان. این کتاب بهترین ابزار دست استادان و دانشجویان زبان پهلوی خواهد بود و آن طور که زنده یاد استاد تفضلی می گفت قرار است ترجمه انگلیسی آن نیز منتشر گردد.

گزیده های زادسپرم، با همکاری پروفیسور فیلیپ ژینو، با متن و آوانگاری و ترجمه و شروح، پاریس ۱۹۹۳

Anthologie de Zadspram, Association pour l'avancement des études Iraniennes,

Paris, 1993

زادسپرم پسر گشن جم (که بعضی آن را جوان جم می خوانند) کتاب را در قرن سوم

هجری (۹ میلادی) تألیف کرده است. کتاب را می توان به طور کلی به سه بخش تقسیم کرد. یکی درباره آفرینش مخلوقات است و از این جهت شباهت به فصول اولیه بندهبش دارد ولی با نثری روانتر و سبک روشن تری به نگارش درآمده است. بخش دوم زندگانی زردشت را شامل می شود و از نظر مطالب شباهت با کتاب دینکرد هفتم و بخشی از کتاب پنجم و نهم دینکرد دارد. در این بخش از تولد زردشت تا درگذشت او سخن رفته است. بخش سوم درباره رستاخیز و پایان جهان است. ولی کتاب به علت از میان رفتن اوراق آخر نسخه ها ناتمام می ماند. از این کتاب سه نسخه در دست است. یکی در کپنهاگ، دیگری در مؤسسه کاما هندوستان که منشأ نسخه کپنهاگ به شمار می آید و سومی نسخه TD که سابقاً در اختیار طهمورث انکلساریا در هند بوده ولی از سرنوشت آن اطلاعی در دست نیست.

در مقدمه کتاب مسائل زبانی متن مورد توجه قرار گرفته و تجزیه و تحلیل دقیقی از مطالب کتاب داده شده است. در تعلیقات کتاب نیز مطالب زبان شناسی آمده است که تماماً به قلم دکتر تفضلی ست. متن پهلوی کتاب به خط زنده یاد استاد تفضلی نگاشته شده. متن دارای آوانویسی ست و جا به جا توضیحات تازه درباره لغات داده شده است. از جمله در اساطیر مربوط به زردشت همواره کلمه «سرا» را به معنی خانه خوانده اند ولی در این کتاب آن را با سرا (ب) (شهری در آذربایجان) یکی دانسته است، دیگر تشخیص رودخانه ارس است که در صورت پهلوی به صورت eras آمده است. ترجمه دقیق و شیوا و فرهنگ کامل لغات نیز داده شده است.

این کتاب در سال ۱۹۹۵ (۱۳۷۴) به عنوان کتاب برگزیده بین المللی سال در رشته ایران شناسی شناخته شد و در ایران در سال ۱۳۷۳ جایزه بین المللی کتاب سال را نصیب خود ساخت.

مقالات استاد احمد تفضلی در دانشنامه ایرانیکا، جلد اول تا هفتم

- ابالبیش (مرتد زردشتی) - ابدیه اود سهیگه نی سیستان (رساله کوچک پهلوی) -
- آبتین (پدر فریدون) - آدور بوزید (موبد موبدان ساسانی) آدور نرسه (پادشاه ساسانی)
- آدوریاد ایمدان (یکی از مؤلفین دینکرد) - آدوریاد مهر اسپندان (موبد ساسانی) -
- آدور فرنیغ فرخ زادان (یکی از مؤلفین دینکرد) آغوش و هاذان (پادشاه اساطیری گیلان د)
- زمان کیخسرو) - آئین گشپ (فرمانده سپاه هرمز چهارم) - آئین نامه (ها) (بخشی ا
- ادبیات) - واژه های فارسی در عربی (زیر سرعنوان «عرب») - آرش (تیرانداز) -

آرش، کی (از خانواده اساطیری کیانیان) - ارجاسپ (رئیس قبیله ایرانی - نیون / پادشاه افسانه ای توران) - اسفاد جشنس یا اسپاد گشسپ (فرمانده سپاه شیرویه) - آسمان (در اعتقادات زردشتی) - اختر آمار (ستاره شناس) - آخوریب (رئیس اصطبل سلطنتی) - آزاد فیروز (فرمانده بحرین در زمان خسرو دوم) - آذین جشنس (فرمانده نظامی در زمان خسرو چهارم) - باختر (اصطلاح مغرب در زمان ساسانیان) - بارید (نوازنده دربار خسرو پرویز) - بامشاد (نوازنده دربار ساسانی) - بستور (قهرمان اساطیری) - بیدرفش (قهرمان تورانی) - بنیاد فرهنگ ایران - بنیاد شاهنامه فردوسی - بزرگان (مقامی در سازمان اشرافی ساسانی) - چگادنی دانتی (قله افسانه ای البرز) - چشست (دریاچه افسانه ای در شرق ایران) - چینواد پل (پلی که ارواح از آن می گذرند) - کشور (زیر واژه CLIME) (بخشی از زمین بر اساس باورهای اساطیری) - نامه نگاری (زیر واژه CORRESPONDENCE) (در ایران پیش از اسلام) - دبیر (منشی از طبقات چهارگانه پیش از اسلام) - دبیره، دبیری (هفت نوع خط پهلوی در زمان ساسانیان) - دادستان مینوی خرد (اثر پهلوی) - دماوند (اساطیر مربوط به این کوه) - دارا (پادشاه اساطیری کیانی) - دارا (داریوش سوم) - دهقان (طبقه اجتماعی ساسانی) - درازدست (لقب بهرام - اردشیر ساسانی) - دژ بهمن (دژ اساطیری در آذربایجان) - دژ گنبدان (دژ اساطیری که اسفندیار در آن زندانی شد) - دژ روئین (دژ اساطیری ارجاسپ تورانی) - دژ سفید (دژ افسانه ای ایران که به دست سهراب گشوده شد) - درخت آسوریک (اثر منظوم پهلوی) - درست بد (لقب رئیس طبیبان در زمان ساسانی).

مقالات در مجلدات آتی دانشنامه:

تعلیم و تربیت در ایران در دوران بارتی و ساسانی (زیر واژه EDUCATION) - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - فہلوئیات - فرهنگ تاریخی زبان فارسی - فریدون - فراخکرد (دریاچه) - فرمدار - فراشوخرود.

مقالات استاد تفضلی در مجلدات دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱ - ۶:

آب (در فرهنگ ایران باستان) - آب (نام ماه در تقویم سریانی) - آبان (ماه) - آتش (در ایران باستان) - آتش پرستی - آتشکده - آخر زمان (در آئین زردشتی) - آدم (در آئین زردشتی) - آذر (ماه) - آرامی (زبان سامی) - آسمان (در عقاید زردشتیان / در عقاید مانویان).